

آشنایی مختصر با

بازوگیر

در تعلیم و تربیت حکمت‌جویانه

نقطه رجوع

اموالرس دائمی

معلم جامع

رشدیار

راهنما

مشاور آشنا

پشتیان

دستگیر

ویرایش ۹۶

www.hekmatjoo.ir

امام سجّاد (علیه السلام):

هَلَاكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ وَ ذَلَّ مَنْ لَيْسَ لَهُ سَفِيهٌ يَعْصِدُهُ

کسی که حکیمی نداشته باشد تا زرشده دهد، هلاک گردیده است و کسی که برایش بی‌خردی

نباشد که دست‌گیر آن بی‌خرد شود، ذلیل گردیده است.

«میزان‌الحکمه باب هلاکت»

تحقیق و تألیف:

گروه معلمان جامع حکمتسرای اصفهان

۳	طلیعه
۴	۱. مفهوم شناسی
۵	۲. تعریف نهایی و مطلوب از بازوگیر
۶	۳. ضرورت و فواید وجود بازوگیر
۱۰	۴. پیشینه و نمونه‌های تاریخی فرهنگی
۱۲	۵. آسیب‌شناسی مسئولیت بازوگیری و راهکارهای پیشنهادی
۱۹	۶. وظایف بازوگیر
۲۶	۷. حدود و اختیارات بازوگیر
۳۰	۸. ابزارهای بازوگیر برای انجام وظیفه
۳۳	۹. شیوه‌های تعامل و استفاده از ابزارها
۳۵	۱۰. معیارهای حداقلی و اولویتی برای انتخاب بازوگیر
۳۶	۱۱. شیوه‌های انتخاب اولیه و متقابل مخاطب و بازوگیر
۳۷	۱۲. ارزیابی و ارتقاء بازوگیر
۳۹	۱۳. فراخوان

«بازوگیری» نقش و جایگاهی است که به طور قطع می‌توان گفت هر انسان رشد یافته‌ای در زندگی خود به نوعی از آن بهره برده است و این تجربه ی بهره گیری حتی اگر به یک شخص قابل تطبیق نباشد ممکن است بین چند استاد یا راهنمای زندگی تقسیم شده باشد. به بیان دیگر، اهمیت این نقش به قدری است که کسی را نمی‌توانید بیابید که بدون اعمال نگاهی جامع و کامل به شخصیت خویش، به کمالات و تعالی رسیده باشد. اگرچه تعالی و منزلت این جایگاه ایجاب می‌کند که در تبیین این نقش، قله ی رفیع و نهایت مطلوب بازوگیری معرفی گردد، اما این به آن معنا نیست که به دلیل دشواری‌های دستیابی به قله، بتوان از استفاده ی نسبی چنین نقشی نیز صرف‌نظر کرد.

آب دریا را اگر نتوان کشید پس بقدر تشنگی باید چشید

از نظر اجرایی و عملیاتی نیز به جاست که ویژگیهای این نقش، به طور نسبی در افراد شایسته ای که در فرایند تعلیم و تربیت مخاطبین نقش ایفا میکنند، جستجو شود. ازاین رو برای بهره گیری (به هر میزان) از چنین نقشی پیشنهاد میشود مطابق با ویژگی‌های بازوگیر از واژه های متناسب و گویای معادل آن استفاده شود. بدیهی است که انتخاب هریک از این واژه ها با توجه به تناسب واژه با خدمات تربیتی مورد انتظار صورت میگیرد.

واژه‌هایی نظیر:

رهیار، یاری‌رسان، راهنما، پشتیبان، یاور، دستگیر، همیار، نقطه رجوع ، رشدیار، احوال‌رس یا ...

۱. مفهوم شناسی

مفهوم بازوگیر برگرفته از کلمه "يعضد" در حدیث شریف امام سجاد علیه السلام میباشد که اول این نوشتار به آن مزین شده است.

۲. تعریف نهایی و مطلوب از بازوگیر

در تجربیات بدیهی هر شخص بالغ موارد زیادی را میتوان یافت که ثابت میکند انسان همیشه در معرض انتخاب است و هویت و سرنوشت او بسته به انتخاب‌های اساسی زندگی اش رقم می خورد. در جهت شکل گیری انتخاب های بهتر فرد، چه تمهیدات موثری میتوان به کار برد؟

در تعلیم و تربیت حکمت جویانه، بهترین تمهید الگوگیری از شیوه تربیتی رب العالمین است که اصل نبوت را برای راهنمایی و دستگیری انسان در مقابل انتخاب های سرنوشت سازش قرار داد. لذا اعتقاد بر اینست که نوجوان انتخابگر نیز در طی مسیر تربیتی اش به بازوگیری نیاز دارد که رشد خود و مخاطبش را در انجام وظایف زیر جستجو کند:

الف. جنبه‌های روحی و جسمی و شخصیتی مخاطب را به‌طور مستمر مورد توجه و بررسی قرار دهد تا بتواند راهنما و یاور مخاطب، در مدیریت خویشتن وی (در جنبه‌های مذکور) باشد.

ب. اگرچه در همه علوم و معارف متخصص نیست؛ ولی نگاهی جامع و کلی دارد که راهگشای مخاطب در بهره گیری از علوم و معارف مختلف است.

پ. همراهی و دستگیری در موقعیت‌ها و مسیرهای زندگی مخاطب در حوزه‌های گوناگون را وظیفه خود دانسته و نه تنها نقطه رجوع که خود احوال‌رس او باشد.

انسان با بهره گیری از چنین نقشی است که میتواند به دنبال نوعی تکامل همه‌جانبه انسانی، با رویکرد کتاب و سنت باشد. به عبارت دیگر، در تعریف بازوگیر می‌توان گفت: شخصی که به‌عنوان پشتیبان و راهنما، برای افراد از دوره سنی بلوغ تا حداقل ازدواج و اشتغال ایفای نقش می‌کند و برای حرکت دائمی از وضع موجود به وضع مطلوب، در همه ابعاد شخصیتی یاری‌کننده ایشان است.

۳. ضرورت و فواید وجود بازوگیر

دلایل متعددی مبنی بر ضرورت همراهی شخصی به عنوان بازوگیر با مخاطب وجود دارد که به بعضی از آن‌ها و از دو منظر ۱. رشد و کمال مخاطب؛ ۲. رشد و کمال بازوگیر به صورت مختصر اشاره می‌شود:

۳-۱. رشد و کمال مخاطب

۳-۱-۱. انتخاب با میل و آگاهی

از آنجاکه در مبانی دینی، اکراه نفی گردیده و معرفی انسان نیز بر پایه "حق انتخاب" بنا شده است، ضرورت دارد شخص یا اشخاصی با تبیین مصادیق «رشد و غی»^۱ مسیری را فراروی مخاطب قرار دهند که او بدون اکراه و با انگیزه حقیقت‌جویی، همواره خود را در مسیر رشد قرار دهد و بینش و بصیرت لازم را برای انتخاب و طی مسیر بهتر کسب کند. ثمره این آگاهی، تحکیم مبناها و گرایش از رفتار سطحی به عمل آگاهانه است.

۳-۱-۲. تبیین تعدد و تنوع بسترهای رشد

یگانه‌بودن شخصیت انسان از یک طرف و تعدد بسترهای مختلفی که برای رشد شخصیتی مخاطب وجود دارد، ایجاب می‌کند که شخصی با نگاهی جامع، مخاطب را از جهت گستردگی بینش و تشخیص بستر متناسب با وی، یاری دهد. این اقدام از اتلاف وقت مخاطب جلوگیری می‌کند و امکان بیشترین استفاده از

^۱ اشاره به آیه ۲۵۶ سوره بقره که اکراهی نبودن دین را در کنار تبیین رشد و غی به کار برده است
رشد: رفتن به راه هدایت غی: رفتن به راه هلاکت

سرمایه‌های موجود را برایش فراهم می‌کند. نتیجه این تبیین به معنای واقعی کلمه رهنمودن ازسوی راهنما و رهپویی توسط خود مخاطب است.

۳-۱-۳. رشد همه بعدی و بهره بردن همه جانبه

اشتغال مخاطب در موضوع و عرصه‌هایی خاص، ممکن است او را از دیگر عرصه‌ها کم‌بهره یا بی‌بهره سازد؛ لذا لازم است شخصی که از مخاطب و نیازهای او مطلع است، از این نقیصه پیشگیری کند. هراندازه هماهنگی عرصه‌های پیش رو با نیاز مخاطب بیشتر باشد، رغبت و انگیزه او برای جامعیت بخشیدن به آموخته‌هایش بیشتر می‌گردد و هرچه این هماهنگی کمتر باشد راه فهم و یادگیری‌های بعدی مسدود می‌شود. این نقش بازوگیر سبب رشد همه‌بعدی مخاطب و دور شدن از آفت انسان تک بعدی است.

۳-۱-۴. درک ارتباط بین موضوعات و حکمتیابی

در مبانی نظری حکمتیابی، اعتقاد بر این است که دانش‌های علمی وسیله‌اند نه هدف و علاوه بر آن همه موضوعات علمی و معرفتی با یکدیگر ارتباط دارند. اگر مخاطب در هنگام فعالیت در حکمت نظری از ارتباط‌های بین‌رشته‌ای مطلع شود، ابزارهای لازم برای حکمت را یافته است؛ لذا ضرورت دارد شخص یا گروهی باشند که ضمن شناخت کافی با مفاهیم اساسی با منندهای ارتباطی علوم نظری آشنا باشد تا بین مباحث نظری مخاطب ارتباط ایجاد کند. با ایفای این نقش، مخاطب را در استفاده از علم برای سامان‌دادن درون و بیرون خویش و درک وحدت علوم در عین کثرتشان یاری رساند. به‌عنوان مثال، می‌توان برای مخاطب تبیین کرد که دو یا چند علمی که مدنظر اوست، بی‌ارتباط با هم نیستند و حتی مجموعه علوم مطلوبش با دیگر علوم که به ظاهر ممکن است به آن‌ها علاقه‌ای نداشته باشد، کاملاً ارتباط و تعامل دارند.

۳-۱-۵. کسب علم نافع و حکمت عملی

از آنجا که گمان مطلوب مخاطب حرکت به سوی حکمت عملی است و کسب دانش‌های غیرسودمند مانع چنین کمالی است و از طرف دیگر، تشخیص علم بی‌فایده نیاز به نگاهی جامع و عمیق دارد؛ لذا ضروری است فرد یا گروهی در معرفی سودمندترین علوم، راهنمای مخاطب باشد. در راستای انجام این وظیفه، مخاطب با جهت‌یابی صحیح و درک حقیقت علم، مقصد نهایی آن، یعنی عمل صالح، را می‌شناسد و در پی آن می‌رود.

۳-۱-۶. یادگیری موثر و مدیریت اطلاعات

در زمان کنونی که طبق نظر متخصصین رشد سریع علمی مانند اقیانوسی رو به گسترش است و فرصت و توان محدود انسان به قایقی میماند. از آنجا که مهارت قایقرانی او را به ساحل نجات میرساند نه اندازه قایق، ضروری است با شخص یا اشخاصی با بینشی نظام‌مند ارتباط داشته باشند که در این حجم زیاد اطلاعات و خدمات پراکنده حضوری و مجازی، به جای تاکید و تشویق بر افزایش و انبار کردن اطلاعات، به او دیدی همه‌جانبه و جامع بدهد. امید است که در پرتو بتواند در مسیری که به کلیت آن اشراف یافته از بیراهه روی، بیهوده روی، سرگردانی و تکثرگرایی دور شود و با مدیریت اطلاعات موجود، بهترین را برگزیده و از آن به نحو مطلوب استفاده کند.

به طور کلی میتوان گفت واحد بودن شخصیت انسان از سویی و بهم پیوستگی رشد شخصیتی وی در طول زمان میطلبد که وظایف فوق توسط برترین شخصی که امکان خدمتگزاری مداوم به مخاطب را دارد، مدیریت شود. بنابراین ضرورت وجود بازوگیر، معادل فواید متعدد این نقش برای انسان و به طور خاص نوجوان است که از سوی عقل سلیم قابل انکار نیست.

۳-۲. رشد و کمال بازوگیر

در راستای مسئولیت هر انسان در قبال رشد و کمال خویش، لازم است بازوگیر از بستر بهره‌گیری از نگرش بالقوه متعالی‌تر مخاطبان استفاده نماید و یکی از عوامل رشد خویش را در گروهی خدمت‌گزاری به مخاطبان بداند.

۳-۲-۱. تزکیه خویش در پرتو زکات آموخته‌ها

رسالت معلم ایجاب می‌کند از تعلیم جویندگان و دست‌گیری ناآگاهان دریغ نورزد و آنچه می‌داند، در خود بایگانی یا احتکار نکند، بلکه با آموختن به دیگران و دستگیری از آنها آموخته‌هایش را تزکیه نماید. نوع ارتباط تعریف‌شده بین بازوگیر و مخاطب یکی از بسترهای مناسب موجود برای انجام این رسالت و رشد در پرتو آن است. به عبارت دیگر این وظیفه، راه مطمئنی برای ادای زکات آموخته‌هاست که به تبع آن پاکی و برکت آنها را به ارمغان می‌آورد.

۳-۲-۲. ارتقاء آموخته‌ها و تجربیات در پرتو عمل صالح

بهره‌گیری از نگرشهای متعالی‌تر و کیفیت بخشی هرچه بیشتر به آموخته‌ها در سایه ارائه عملی تجربیات و بازخوردگیری از آنها تامین می‌شود. بنابراین بازوگیر با انجام این وظیفه آموخته‌های خود را به نحو موثری ارتقا می‌دهد. از جمله وظایف اصلی تعلیم و تربیت، انتقال تجربیات یک نسل به نسل‌های بعدی است. این تجربیات به‌قدری متنوع و گسترده است که هر بازوگیر در سه زمینه معرفی اولیه، طبقه‌بندی و اولویت‌بخشی، می‌بایست راهنمای مخاطب باشد. این اقدام به شکل‌گیری معیارهای اساسی برای حفظ تجربیات، به کارگیری آنها، جلوگیری از دوباره‌کاری و ارتقاء می‌انجامد و به هدف تربیت نسلی بهتر از نسل‌های گذشته، جامعه عمل می‌پوشاند.

۳-۲-۳. عزتمندی و کاهش شکاف نسل ها در پرتو تعامل سازنده

یاری و دستگیری دیگران در جنبه های مختلف زندگی تنها سبب رشد مخاطب نیست. چراکه هر انسان رشد یافته ای خدمتگزاری به خلق را از مهمترین عوامل رشد خویش میداند. وجود این بینش خدمتگزارانه در بازوگیر و عمل متناسب با این بینش، سبب کاهش شکاف در نسلها گردیده و روحیه تعاون و تعامل نسلها را در امر تربیت حفظ و تقویت مینماید.

۴. پیشینه و نمونه های تاریخی فرهنگی

اگرچه بازوگیر از نظر واژه، بدیع است و چه بسا مفهوم آن برای بعضی نامأنوس باشد؛ اما از نظر نقش و عملکردی که از آن انتظار می رود، بی سابقه نیست. این جایگاه در فرهنگ پیشین بشر و تاریخ دینی و تعلیم و تربیت ایرانی جایگاهی تثبیت شده و اصیل داشته است که متأسفانه اکنون پس از نزدیک به یک قرن تقلید از شیوه های تعلیم و تربیتی بیگانگان، ممکن است نامأنوس و غیرضروری یا حتی مضرّ یا اجرانشدنی به نظر برسد. برای احیاء این جایگاه، شایسته است هر ردپا و اثری در گذشته این مسئولیت پیگیری شود و به آن دقت گردد.

۴-۱. در جوامع قدیمی و کوچک و به ندرت در جوامع امروزی با وجود نقش پدر و مادر در فرایند تعلیم و تربیت، پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها یا دیگر بستگان دلسوز نیز نقش های مفیدی را ایفا می کردند. اگرچه امروزه به *دلایل مختلف فرهنگی و اجتماعی*، چنین نقش هایی کمتر و کمرنگ شده است. اما میتوان گفت مختصری از آنچه بر عهده بازوگیر است، انجام دادن چنین نقش هایی است.

از جمله این *دلایل میتوان به موارد زیر اشاره کرد

۱- گستردگی علوم و تعدد تخصص ها که دید جزءنگر را مهمتر از دید جامع و کل نگر جلوه داده است.

۲- تأثیرپذیری فرهنگی از طریق پیشرفت تکنولوژی و تغییرات زمان که نیازهای مادی و سطحی انسان را مهمتر از نیازهای دیگر جلوه داده است.

۳- اکتفای اکثر متولیان به آموزش های همگانی و رضایت به کسب مدرک در تعلیم و تربیت

۴- عادت به استفاده سطحی از علوم در اثر امکان دسترسی آسان به آن ها

۴-۲. در مضامین اسلام و سیره پیامبر اکرم (صلوات... علیه) و ائمه بزرگوار (علیهم السلام) کاملاً مشهود است که معصومین در کنار تعلیم و تزکیه و ترویج فرهنگی برای عموم مردم، همگی شاگردان و تربیت یافتگانی خاصی هم داشتند که به ابعاد مختلف ایشان عنایت مینمودند.

نوع عملکرد معصومین علیهم السلام با این شاگردان، الگوی مناسبی برای شناسایی جایگاهی است که در این متن «بازوگیر» نامیده می شود.

۴-۳. با مطالعه زندگی فرهیختگان گذشته می توان فهمید آن ها فقط از معلمان و اساتیدی در رشته های خاص بهره نبرده اند، بلکه اغلب افرادی را در دسترس خود داشته اند که در موقعیت های مختلف زندگی، ایشان را همراهی کرده یا نقطه رجوعی برایشان بوده اند. به عبارت دیگر میتوان گفت این فرهیختگان توانسته اند در مراحل مختلف زندگی خود، از توجه و راهنمایی یک یا چند نفر در چند زمینه بهره ای چندبعدی ببرند.

۴-۴. در فضاهای تعلیم و تربیتی گذشته، حکیمانی بودند که شاگردانی در رشته های مختلف داشتند. به گمان بعضی، علت وجود چنین حکیمانی دایره محدود علم بوده است، در صورتی که دلیل اصلی آن را می توان این نکته دانست که آن حکیم با شناختی که از ارتباط علوم با یکدیگر داشته است، می توانسته زمینه ساز پیشرفت و راهنمای همه شاگردان خود در زمینه های مختلف باشد. اگرچه هریک از حوزه های

علمی بشر، حدود و قلمرو خاصی دارند اما جزیره های پراکنده نیستند. از آفات تخصصی شدن دانش ها اینست که اذهان را مرزبندی میکنند. درحالیکه با این روش نمیتوان فرد را به یادگیری موثر راهنمایی کرد. از آنجا که دانش های علمی وسیله اند، و نه هدف، پس لازم است از وجود کسی بهره گرفت که ضمن آشنایی کافی با مفاهیم اساسی، با منذهای ارتباطی علوم با یکدیگر هم آشنا باشد. ضرورت آگاهی از این ارتباط اینست که زندگی انسان محاط در مسائل مختلف است که منحصر به یک رشته خاص نمی شود بلکه به مجموعه ای از دانش ها ارتباط می یابد.

برای مثال، در ظاهر بین آگاهی از نجوم و علم طب ارتباطی دیده نمی شود؛ ولی حکیمان آن زمان با روحیه حقیقتجویی شایسته ای که داشتند، این رشته ها را با یکدیگر پیوند میدادند و شاگردانی برای هریک از این زمینه های به ظاهر متفاوت تعلیم می دادند یا زمینه بهره وری از آن زمینه ها را برایشان فراهم می کردند.

۵. آسیب شناسی مسئولیت بازوگیری و راهکارهای پیشنهادی

باتوجه به نقش مهم و اساسی بازوگیر در فرایند تربیت و اثرگذاری و اثرپذیری متقابل بین بازوگیر و مخاطب و مجموعه مرجع، آسیب ها را می توان در سه عنوان اصلی زیر بررسی کرد.

۱. آسیب هایی که خود بازوگیر در معرض آن ها قرار دارد و در قالب هفت مورد در این نوشته آسیب شناسی میگردد.

۲. آسیب هایی که مخاطب در معرض آن قرار دارد که با چهار مورد معرفی میشود.

۳. آسیب هایی که ممکن است به مجموعه مرجع و طرح وارد شود که به چهار آسیب اشاره می شود.

۵-۱. آسیب هایی که بازوگیر در معرض آن قرار دارد:

۵-۱-۱. از آنجا که کانون ارزش عمل و میزان توفیق هر کس مبتنی بر نیت و نحوه جهت گیری اوست، در تعلیم و تربیت نیز هر قصدی به غیر از طاعت خداوند یکتا و کسب رضای او، منشا آسیب به بازوگیر و مخاطب و مجموعه است. لیکن دوری از اخلاص، اولین و مهم ترین آسیبی است که بیشتر از دو رکن دیگر، یعنی مخاطب و مرجع طرح، بازوگیر را تهدید می کند و باعث شکست قطعی در این فرایند می شود.

«وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۲

۵-۱-۲. از آنجا که لازم است بازوگیر، با وجود جامع الاطراف نبودن در همه علوم، نگاهی جامع و کلی به مخاطب داشته باشد و او را در زمینه گسترده گی بینش یاری دهد، ممکن است دچار گفتار بی علم شود که حتی پیامبر اکرم (ص) نیز در قرآن (از جمله ایه ۳۶ سوره اسراء) از آن نهی شده اند.

۵-۱-۳. بر بازوگیر تکلیف شده است که جنبه های روحی و جسمی حکمت جو را مدام مدنظر داشته باشد. با انجام دادن این تکلیف، بدون رعایت شرایط، ممکن است بازوگیر از رشد خویش غفلت ورزد یا به توازن نداشتن در پرداختن به خود و مخاطب و به طور کلی افراط و تفریط در ارتباط دچار شود که مصداق تذکر آن در قرآن کریم بسیار است.

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^۳

۵-۱-۴. از جمله آسیب هایی که بواسطه وظیفه احوال رسی مخاطبان بازوگیر را تهدید میکند، پاسخگو بودن یا متهم بودن در برابر هر نوع رفتار مخاطب از نگاه دیگران است. همچنین بازوگیر گاهی پیشرفت کردن یا پیشرفت نکردن مخاطب را به خود نسبت می دهد که ممکن است وی را دچار عجب یا یأس و به طور کلی سیطره بینی به مخاطب کند.

۲. کهف، ۱۱۰

۳. بقره، ۴۴

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ»^۴

«مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ»^۵

۵-۱-۵. بازوگیر در راستای وظیفه راهنمایی مخاطب برای قرارگرفتن در مسیر رشد، ممکن است به آسیب‌هایی مانند ظاهرسازی و گفتار بدون عمل و نگاه از بالا به پایین به مخاطب، نزدیک یا مبتلا شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۶

۵-۱-۶. لزوم ایجاد ارتباط بین تمام مباحث نظری مخاطب ازسوی بازوگیر، ممکن است به خودمحوری وی منجر و باعث شود کارهایی را به عهده گیرد که دیگران نیز می‌توانند انجام دهند و دچار تعدد کارهای مختلف شود.

«الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ»^۷

یا اینکه در مواقعی کارهایی را بر خود تحمیل کند که توانایی انجام آن را ندارد.

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۸

۷.۱. با نگاه کلی به نقش و وظایف بازوگیر، آسیب نتیجه‌گرایی در این مسئولیت به‌جای وظیفه‌گرایی، خود منشاء بسیاری از آسیب‌ها و آفت‌هاست که به‌عنوان نمونه می‌توان به انجام کار باطل به‌خاطر مخاطب اشاره کرد.

۴. الغاشیه، ۲۱

۵. انعام، ۱۰۷

۶. صف، ۲

۷. تکاثر، ۱

۸. بقره، ۲۸۶

«وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۹

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^{۱۰}

۵-۲. آسیب‌هایی که مخاطب در معرض آن قرار دارد.

۵-۲-۱. انجام وظیفه بازوگیر در مسئولیت‌هایی نظیر راهنمایی مخاطب در تقدم و تاخر یادگیری علوم،

ممکن است باعث سلب اختیار و ضعیف شدن توان انتخاب مخاطب، شود.

۵-۲-۲. همراهی در موقعیت‌ها و مسیرهای زندگی مخاطب در حوزه‌های گوناگون توسط بازوگیر، ممکن

است به فردگرایی مخاطب و بت‌دانستن بازوگیر و پس‌زدن سایر وسایل رشد منجر شود.

۵-۲-۳. از آنجا که بازوگیر میبایست نقطه رجوع بودن و احوال‌رس مداوم مخاطب باشد ممکن است زمینه را

برای ایجاد وابستگی و گرایش عاطفی صرف (غیر عقلانی) حکمت‌جو (نسبت به خویش) فراهم کند. این

نوع وابستگی‌ها میتواند احتمال شکل‌گیری رفتارهای غلط و افراطی را در مخاطب افزایش دهد. تاجایی که

مخاطب برای حفظ یا تقویت رابطه، خود را به گونه‌ای دیگر نشان دهد و به نوعی نفاق دچار گردد.

۵-۲-۴. گمان مخاطب برای حرکت به سوی حکمت عملی و نقش بازوگیر برای یافتن ابزارهای لازم آن،

ممکن است سبب ایجاد انتظارات نابجا در مخاطب و الگوگیری غلط و سوءبرداشت از عملکرد بازوگیر

شود.

۵-۳. آسیب‌هایی که ممکن است به مجموعه و طرح وارد شود.

^۹. بقره، ۴۲

^{۱۰}. زمر، ۹

۵-۳-۱ به دلیل لزوم ارتباط‌های فردی بین بازوگیر و مخاطب، ایجاد آسیب‌هایی مانند ناهماهنگی با مجموعه و بازماندن مخاطب از سایر برنامه‌های تعیین شده توسط مجموعه، کم‌رنگ شدن وظایف و خدمات مجموعه مرجع و درنهایت، جدایی مخاطب از مجموعه پیش‌بینی می‌شود.

۵-۳-۲. ارتباط همه‌جانبه میان مخاطب و بازوگیر شاید این تلقی را ایجاد کند که بازوگیر، دانای کل است و خطاهای وی به حساب مجموعه طرح گذاشته شود.

۵-۳-۳. بدون شک، توانمندی بازوگیران با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت‌ها به بروز توانگری‌های متفاوتی در انجام وظایف بازوگیران و نتایج مختلف در پایان کار منجر می‌شود و این اتفاق، زمینه را برای نسبت دادن نقاط ضعف خاصی به مجموعه طرح فراهم می‌کند.

۵-۳-۴. احساس وظیفه بازوگیر در برابر مخاطب ممکن است سبب تک‌روی بازوگیر و نادیده گرفتن اصول مجموعه ازسوی وی و مخاطب شود.

۵-۴. اولین راهکارهای پیشنهادی که به عهده بازوگیر است

پس از بررسی چالش‌ها و آسیب‌های پیش‌بینی‌پذیر، به جاست که راهکارهای لازم بدون هیچ گونه طبقه‌بندی خاصی بیان شود؛ چراکه هریک از راهکارهای موجود، برای بیش از یک آسیب کاربرد دارد و برای هر آسیب نیز چند راهکار را می‌توان به کار برد. نکته دیگر اینکه گزینه‌های زیر، نه تنها به عنوان راهکار، بلکه در جایگاه پیش‌گیری نیز قابل استفاده است.

۵-۴-۱. جهان‌بینی

از اصلی ترین راهکارهای بنیادی، تقویت مداوم جهان‌بینی بازوگیر و مخاطب از بُعد خداشناسی و انسان‌شناسی و به صورت توأمان نظری و عملی است. در بُعد خداشناسی، تحکیم توحید در شئون مختلف

آن، لازم و ضروریست. این شئون مختلف از ربوبیت تکوینی و تشریعی تا توحید در استعانت و توکل و محبت را شامل میشود. به گونه‌ای که فرد بتواند جایگاه خود را در نظام تربیتی رب العالمین به درستی درک کند و بر حسب تکلیف و توانایی خویش، عابدانه و صالحانه عمل کند تا از هرگونه حس مالکیت و سیطره‌بینی به مخاطب و چشم‌داشت دنیوی و غیرالهی در انجام وظیفه خود رها شود. لازم است بازوگیر از تذکرات خداوند در کتاب روشنگر قرآن حکیم برای تربیت و تزکیه خویش استفاده کند.

«أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين»^{۱۲}

۵-۴-۲. خلوص نیت

مراقبت همه‌جانبه بر همه ارتباطها و خالص کردن نیت‌ها و اعمال برای خداوند مالک و مدبر هستی، به گونه‌ای که همه چیز را متصل به خداوند و برای او بداند. به بیان دیگر، آیا برای بازوگیر وظیفه‌ای خطرتر و سخت‌تر و ضروری‌تر از اخلاص می‌توان برشمرد؟

«أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ»^{۱۳}

۵-۴-۳. تعلیم نفس و تعامل ناهم‌تراز

روابط بازوگیر و مخاطب رابطه‌ی تربیتی دو طرفه و تعاملی است که هردو از هم بهره میگیرند با این تفاوت که افراد در یک سطح نیستند (به عبارتی یکی رهیار و دیگری رهپوست) و هم سطح و هم‌تراز نمیباشند. توجه بازوگیر به این اصل، ضروری و راهگشاست. لذا با رعایت تعلیم نفس در روابط بازوگیر و

۱۱. الواقعة، ۶۴

۱۲. یس، ۱۷

۱۳. البقره، ۷۷

مخاطب یادگیری دو طرفه به نحو موثری بین آنها برقرار می‌شود و می‌توان گفت رشد متقابل مخاطب و بازوگیر در پرتو چنین ارتباطی به دست می‌آید که در حکمت ۷۴ نهج البلاغه نیز به آن اشاره شده است.

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا {فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ} فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»^{۱۴}

۴-۴-۵. آموزش نحوه اندیشیدن

بازوگیر نباید فقط اندیشه‌ها را آموزش دهد، بلکه باید نحوه اندیشیدن را هم به مخاطب یاد دهد. با دقت در روش تربیتی قرآن حکیم نیز درمی‌یابیم که آموزش بر مبنای عقل‌ورزی و انتخاب‌گری و ظرفیت مخاطب، زمینه بهتر و بیشتری را برای رشد وی فراهم می‌سازد. به عبارتی آنچه را فرد از طریق تفکر می‌تواند بیاموزد نباید با توضیح محدود نمود.

۵-۴-۵. رعایت اصل تدریج

لازم است بازوگیر تا جایی که امکان دارد در ارتباط با مخاطب از شتاب‌زدگی در ایجاد تغییر و رفتارخواهی صرف‌دوری کند. در مقابل با استعانت از صبر و استخدام زمان، می‌توان انتظار داشت تا مخاطب با درک صحیح و آگاهی عمیق‌تری در مسیر حقیقت قدم بگذارد و تا پایان راه نیز ثابت قدم بماند.

۶-۴-۵. تقویت عبودیت

توجه‌دادن خود و مخاطب به هدف اصلی چنین ارتباطی بسیار راهگشاست. مهم‌ترین وظیفه بازوگیر، مسئولیت‌هایی است که در برابر خداوند دارد. بدون شک، وظیفه‌شناس‌ترین بازوگیر کسی است که خود را در مقابل خداوند پاسخ‌گو و کمال و تهذیب خویش را مقدم، تقدم مقامی نه الزاماً زمانی، بر فعالیت‌های

^{۱۴}. نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص: ۴۸۰

اجتماعی بداند. بنابراین رعایت محبت طولی نسبت به بندگان خداوند رحمان رحیم، به شکل صحیحی به ارتباط‌های بین بازوگیر و مخاطب جهت می‌دهد و از بسیاری رفتارها و روابط افراطی و انحراف‌های ناشی از آن جلوگیری می‌کند.

۵-۴-۷. ذکر و تذکر

ذکر مداوم برای هر انسانی، به‌خصوص برای بازوگیر زمینه‌تهدیب را مهیا و راه رسیدن به خلوص را هموار می‌سازد، به‌گونه‌ای که می‌تواند از آن به عنوان یک تصفیه‌کننده اعمال و رفتار خود استفاده کند.

۵-۴-۸. مدیریت زمان

مدیریت صحیح بازوگیر بر مقدار زمان ارتباط با مخاطب و تلاش برای افزایش کیفیت ارتباط به جای کمیت تنها، ممکن است راهکار مناسبی برای برخی از آسیب‌های ذکرشده باشد.

۵-۴-۹. استفاده بهینه

به‌جاست بازوگیر در مواقعی که امکان ارجاع کارها به افراد باصلاحیت دیگر وجود دارد، حتماً این کار را انجام دهد تا ضمن اینکه به گسترش فضاها و ارتباطی مخاطب و بهره‌گیری بهتر و بیشتر وی از امکانات رشد کمک می‌کند، خود نیز از فراغت به‌دست‌آمده برای بهبود در انجام وظایف اصلی خویش و رسیدگی به کارهای ضروری‌تر استفاده کند.

۵-۴-۱۰. کارگروهی و تقویت بعد اجتماعی

بازوگیر در عین اینکه باید به شناخت دابعد چندگانه و خصوصیات فردی از مخاطب برسد، لازم است تا حد امکان در ارتباط های جمعی به کسب شناخت و توجه به واکنشهای متناسب پردازد و در مواقع لازم، کارهای گروهی و تیمی را در برنامه ها به بهترین شکل لحاظ نماید.

بدیهی است راهکارهای که مطرح شد، همه به عهده بازوگیر است و در این فرصت مختصر به راهکارهای دیگری که به عهده خانواده مخاطبان یا سایرین است، اشاره نشده است.

۶. وظایف بازوگیر

در تبیین وظایف بازوگیر دست کم دو رویکرد و روش متصور است که عبارتند از:

۱. تبیین وظایف به گونه ای که دقیقاً قالب و مسیر و گام های بازوگیر به تفصیل بیان شود.

۲. تبیین وظایف به گونه ای است که مقاصد و اهدافی که بازوگیر باید به دنبال آن باشد، بیان شود؛ ولی راه

و قالب انجام آن وظایف برای رسیدن به مقصد، با توجه به امکانات و موقعیت، به عهده بازوگیر باشد.^{۱۵}

البته با این رویکرد، لازم است اصولی برای بازوگیر ترسیم شود.

در این نوشته، وظایف معلمان جامع به شیوه دوم تبیین می شود و فقط در قالب مثال هایی مختصر یا در

بعضی گزینه ها که نیاز به توضیح داشته باشد، از روش اول و معرفی قالب و گام به گام استفاده خواهد شد.

دلایل انتخاب روش دوم:

^{۱۵}. در شرع مقدس اسلام برای تبیین احکام امریه معروف و نهی از منکر یا جهاد از این روش استفاده شده است؛ برخلاف احکامی چون نماز و روزه که قالب محورند و با روش اول تبیین شده اند.

۱. وظایف بازوگیران در گستره شخصیتی و مکانی و زمانی مخاطب رقم می‌خورد؛ لذا گستردگی این وظایف در قالب الگوریتمی مشخص و سیر قدم‌به‌قدم تبیین‌پذیر نیست. حتی در وظیفه‌ای محدود و مشخص از میان وظایف بازوگیران، نمی‌توان قالب کاملاً مشخصی را به‌طور مطلق تجویز کرد؛ چون موقعیت مکانی و زمانی و شخصیتی در مخاطب و بازوگیر متغیرهای بی‌شماری را به‌وجود می‌آورد که گاهی حتی قابل شمارش و پیش‌بینی‌پذیر نیست. مثلاً شیوه پرورش جسمی مخاطبی که علاقه به ورزش والیبال دارد، متفاوت از مخاطبی است که به فوتبال علاقه‌مند است؛ پس شیوه واحدی نمی‌توان برای آن مطرح کرد.

۲. نگرش‌های قالبی و معرفی مسیر کاملاً مشخص در فرآیند تربیت، موجب بی‌توجهی به خلاقیت و ابتکار عملی است که از بازوگیر و مخاطب انتظار می‌رود.

وظیفه بازوگیر در برابر مخاطب این است که مستمراً یاری‌رسان مخاطب برای حرکتی دائمی از وضع

موجود به وضع مطلوب در همه ابعاد شخصیتی‌اش باشد.

برای تبیین این وظیفه، هریک از واژگان بالا به‌صورت مختصر توضیح داده می‌شود.

۱. **در برابر مخاطب:** وظایف بازوگیر را از زوایای مختلفی می‌توان بررسی کرد. در واقع، بازوگیر در برابر خداوند، خویشن خویش و دیگران موظف و مسئول است.

عبارت «در برابر مخاطب» به این معنا نیست که این بخش از وظیفه بازوگیر در عرض وظایف او در قبال خداوند است؛ بلکه بازوگیر از آن‌جا که خود را در مقابل خداوند مسئول می‌داند، معتقدست که در برابر نعمت‌هایی که خداوند به او عطا فرموده است، باید پاسخ‌گو باشد. از طرف دیگر، ادای وظیفه تعلیم و تربیت

دیگر بندگان، خود نیز نوعی بندگی و فرمانبرداری است؛ پس خود را «در محضر خداوند» در برابر مخاطب موظف می‌داند و این را یکی از راه‌های شکر نعمت‌های پروردگار می‌شمارد.

عبارت «در برابر مخاطب» به این معناست که در تعریف بالا، فقط به آن دسته از وظایف بازوگیر اشاره می‌شود که مخاطب در آن دیده شده است.

۲. **مستمراً:** خدمت رسانی تربیتی تعطیلی بردار نیست. استمرارِ وظیفه بازوگیر از ویژگی‌های مهم اوست. لازم است عبارت «یک لحظه غفلت، یک عمر پشیمانی» همواره آویزه گوش بازوگیر باشد. هر روز و ساعت و لحظه از عمر مخاطب نقطه عطفی بالقوه برای باقیمانده عمر اوست. علاوه بر گذر عمر، تحولات زندگی و پیدایش نیازهای جدید پیوستگی تعلیم و تربیت را ضروری می‌سازد. پس لازم است بازوگیر به‌طور مستمر احوال‌رس و یاری‌گر مخاطب باشد.

استمرار وظیفه بازوگیر باید در صفت فطری «وفاداری» و حفظ امانت ریشه داشته باشد. لزوم استمرار بخشی در وظیفه بازوگیر، دائمی بودن همراهی او را نیز می‌رساند؛ اما از آن‌جا که به دلایل مختلف ممکن است وظایف بازوگیری در دوره ارتباط با مخاطب (که ممکن است معادل عمر وی باشد) فقط به‌عهده یک نفر نباشد؛ عبارت «دائماً» در تبیین وظیفه بازوگیر آورده نشده و به کلمه «مستمراً» بسنده شده است.

۳. **یاری‌رسان:** منظور از عبارت «یاری‌رسان» این است که انجام وظیفه بازوگیر بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطب امکان‌پذیر نیست. به بیان دیگر بازوگیر بر اساس داشته‌های مخاطب (از جمله نیازهای واقعی، انگیزه‌ها، فعالیتها و استعدادهای او) نقش پیدا می‌کند. با توجه به اینکه مخاطب از سن بلوغ و تکلیف به بعد با بازوگیر در ارتباط است؛ لذا کلمه یاری‌رسان توجه و اقدام ویژه‌ای را به مکلف بودن مخاطب نشان می‌دهد و از منفعل و خنثی بودن مخاطب جلوگیری می‌کند. در واقع، عبارت یاری‌رسان هر

نوع سیطره و تسلطی بر مخاطب را منتفی می‌کند و وظیفه بازوگیر را به منظور رساندن مخاطب به خودآگاهی و شناخت منتج به رشد، یادآور می‌شود.

۴. حرکت دائمی: اگرچه رشد طبیعی در دوره جوانی به پایان می‌رسد اما رشد اکتسابی تا پایان عمر ادامه می‌یابد. واژه «حرکت» در تبیین وظیفه بازوگیر به این معناست که مخاطب در همهٔ مواقف زندگی‌اش در جریان رشد و کمال قرار دارد و حتی زمانی که به‌ظاهر در یکی از ایستگاه‌های زندگی‌اش متوقف شده است، گذر فرصتها و زمانی که از عمرش سپری می‌شود، نیز مسیر حرکت او به حساب می‌آید.

۵. وضع موجود: شناسایی وضع موجود از جنبه‌های مختلفی درخور توجه است که عبارتند از:

۱. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند رحمت کند کسی را که دانست از کجاست، در کجاست و به‌سوی کجاست». شناسایی اینکه در کجا قرار داریم، لازمهٔ هر نوع حرکت به‌سمت هدف است.

۲. از جمله انحراف‌های جامعهٔ امروز ما این است که تمرکز صرف به افق‌ها و چشم‌اندازهای دور، ما را از بهره‌بردن از آنچه داریم، غافل می‌کند که این غفلت، خود مانع رسیدن به هر نوع پیشرفتی است. متأسفانه ما در بسیاری از اوقات، ازدیاد نعمت را از راهی غیر از شکر خواهانیم. شکر به معنی اظهار و استفاده از نعمت است «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ».^{۱۶} قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^{۱۷} لازمهٔ ازدیاد نعمت‌های ما این است که شکر آن‌ها را به‌جا آوریم و یکی از مصادیق شناسایی وضع موجود، شناسایی نعمت‌ها و یافتن راه استفاده از آن‌هاست.

۳.۵. در علم مدیریت، لازمهٔ هر نوع برنامه‌ریزی، شناسایی وضع موجود اعم از فرصت‌ها و تهدیدهاست.

۶. وضع مطلوب: به‌طور کلی به وضع مطلوب مخاطب، می‌توان از دو منظر توجه کرد:

^{۱۶}. ضحی، ۱۱

^{۱۷}. ابراهیم، ۷

۱. وضع مطلوبی که با توجه به ویژگی‌های مشترک او با دیگر انسان‌ها متصور است. برای مثال، مخاطب از آن‌جا که انسان است، لازم است به مقام عبودیت پروردگار برسد یا از آن‌جا که هر کس امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده، لازم است هر روز بر معرفت خویش به امام خود بیفزاید.

۲. وضع مطلوبی که با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد مخاطب رقم می‌خورد. بدون شک، هر انسانی نعمت‌های منحصربه‌فردی دارد. شناسایی و استفاده از نعمت‌های مشترکی که خداوند به عموم بندگان عطا فرموده است، شرط لازم برای دست‌یافتن به کمال در هر فرد است؛ اما شناسایی و استفاده از نعمت‌های ویژه هر فرد، برای یافتن هدف خلقت خویش و رسیدن به آن شرط کافی است. به‌عنوان مثال، شخصیتی چون امام خمینی (ره) اگر به نعمت‌های مشترکی که دیگر مراجع عظام نیز در آن زمان داشتند، بسنده می‌فرمود، مرجع تقلیدی بود که در دیدگاه بسیاری از مردم به کمال انسانی خویش رسیده بود؛ اما ایشان با بهره‌بردن از فقه‌ای ظلم‌ستیز که در خویش یافتند، پایه‌گذار ولایتی شدند که *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* متصل به ولایت امام عصر (عج) خواهد شد.

بازوگیر موظف است نه تنها یاری‌رسان مخاطب در یافتن و استفاده از صفات و استعدادها، مشترک او با دیگر انسان‌ها شود، بلکه لازم است فرصت‌ها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد مخاطب را نیز به‌عنوان ناظر بیرونی به او تذکر دهد تا همه بذرهایی که در مزرعه وجودی او کاشته شده به خوبی رشد کنند. لازم به یادآوری است که با توجه به اینکه مخاطب یک انسان مکلف به شمار می‌آید، وضع مطلوب وی توسط بازوگیر به‌طور پیشنهادی معرفی، ترسیم، تبیین و حتی تأکید می‌شود؛ اما تأیید نهایی آن بر عهده خود مخاطب است.

۷. همه ابعاد شخصیتی: شخصیت انسان لایه‌ها و ابعاد گوناگون دارد که همه این ابعاد باید رشد کنند.

البته رشد هر کدام با رشد دیگری ارتباط و معنا پیدا میکند و هریک از این ابعاد به منزله حوزه ای از شخصیت است که با دیگر حوزه ها یکسان نیست اما بر آنها تاثیرگذار و از آنها تاثیرپذیر است. در تعاریف دینی و علمی که از انسان شده است، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را مشاهده می‌کنیم که هر کدام براساس موقعیتی مفید است و می‌توان از آن استفاده کرد.

با این نوع تقسیم‌بندی هفت‌گانه که از شخصیت انسان معرفی می‌شود، بازوگیر موظف است در هریک از این عرصه‌های هفت‌گانه، وضع موجود مخاطب را رصد کند و او را برای یافتن راه درست و حرکت به سوی وضع مطلوب یاری رساند. از این راه فرد میتواند جنبه های اساسی شخصیت خود را به طور موزون و هماهنگ رشد دهد.

لازم به توضیح است که هریک از این ابعاد هفت‌گانه، تعریفی متمایز با دیگر ابعاد دارد؛ اما از آنجاکه هر کدام بر دیگر ابعاد تأثیر گذارند، نمی‌توان حد و مرز کاملاً شفاف‌ی برای هر کدام مشخص کرد.

در نگاهی می‌توان از حدود شخصیت هر فرد برداشت‌هایی کرد که لزوماً منطبق با ابعاد شخصیتی وی نیست. اما با نگاهی دقیق‌تر لازم است برای عوامل تشکیل دهنده شخصیت فرد، طبقه‌بندی‌هایی را انجام داد. نظر به اینکه عموم صفات انسانی را در همه این هفت عنوان می‌توان مشاهده کرد، برای معرفی اولیه و شناسایی مقدماتی از شخصیت فرد، این طبقه‌بندی می‌تواند راهنمای مفیدی باشد:

۱. بعد جسمانی: از ابعاد نمایان شخصیت هر فرد، جسم و بدن اوست. جنس، قد، وزن، چهره، بلوغ جسمی،

توانمندی‌های بدنی و احتمالاً ناتوانایی‌ها و معلولیت‌ها از مصادیق این عرصه از شخصیت است.

۲. بعد عقلانیت: تعریفی جامع و مانع برای این بُعد از شخصیت، کاری بسیار دشوار است. تعریف اجمالی ما از این بُعد عبارت است از نیرویی که موجب شناخت‌های استدلالی و برهانی و تفکر، استنتاج و تدبیر^{۱۸} می‌شود. به عبارت دیگر، بعد عقلانی را می‌توان داشتن قدرت تحلیل مسائل دانست. انسان با قدرت عقل می‌تواند طبیعت را کنکاش و قانونمندی‌ها را کشف کند، در روابط اجتماعی بیاندهد و با اندیشه در هستی‌باورهای خود به مبدا هستی را روشن کند.

۳. بعد عواطف: آن بخش از شخصیت فرد را که نشانگر غم و شادی، گریه و خنده، دوستی و نفرت (حب و بغض)، هیجان‌های گوناگون، میزان وابستگی عاطفی و شیوه بروز احساسات است، شخصیت عاطفی فرد می‌نامیم.

۴. بعد اجتماعی: به میزان و نوع ارتباطی که فرد با دیگر افراد هم‌نوع خود برقرار می‌کند، بعد اجتماعی شخصیت گفته می‌شود. قدرت و نوع تعامل با افراد جامعه و میزان و نوع تأثیرپذیری از جامعه و تأثیرگذاری بر آن، ارزش گذاشتن به فعالیتهای گروهی، احساس مسئولیت در بهبود وضع دیگران، ترجیح رفاقت بر رقابت از جمله مصادیق این بعد شخصیتی است.

۵. بعد اعتقادی: نگرش‌های کلی و اساسی فرد درباره جهان هستی (جهان‌بینی) و نوع تفکر و پاسخی که هر شخص به پرسش‌های از کجا بودن، به کجا رفتن و چگونه رفتن دارد، بعد اعتقادی او را می‌سازد. اگرچه این بعد با بعد عقلانیت و نیز عواطف فرد ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ اما به دلایل زیر لازم است به این بعد، به عنوان بُعدی مستقل توجه شود.

^{۱۸}. روشن است که تعریف این مفاهیم موجب تدقیق مطلب می‌شود.

۱. ارتباط تنگاتنگ این عرصه با عرصه‌های عقلانیت و عواطف به معنی انطباق و یگانگی آنها نیست. چه‌بسا دو نفر که از نظر بهره‌مندی از عقلانیت مساوی باشند؛ اما نوع نگرش آنها به جهان هستی کاملاً متفاوت باشد.

۲. بعد اعتقادی با ابزار عقل و عاطفه مرتبط است؛ اما تبیین و ابلاغ حقایقی چون وحی در پرورش این بُعد نقش کاملاً مقدماتی و ضروری دارد. به عبارت دیگر، بعد اعتقادی فقط نتیجه عقلانیت و عاطفه نیست و حقایقی چون وحی نیز بر آن اثر دارد.

۳. ممکن است برای افرادی که عقل و عواطفی شبیه به یکدیگر دارند، حقایقی از جهان هستی راجع به مبدأ و معاد ابلاغ شود؛ اما عوامل دیگری چون انتخاب خود فرد یا عوامل غیبی، در رقم خوردن این بُعد از شخصیت فرد نقش داشته باشد.

۶. بعد مهارتی و تحصیلی: منظور از این بعد، توانمندی‌های اکتسابی فرد در زمینه‌های مختلف حرفه‌ای و علمی است. به عنوان مثال، فردی که در یک یا چند رشته درسی تبحر یافته و پیشرفت کرده است یا درک هنری خود را تقویت کرده، توانسته است لایه‌ای از شخصیتش را تغییر دهد. البته پرورش این بعد در سایه نگرشی است از علم و حرفه برای خدمت رسانی به تعالی و رشد فرد استفاده می‌شود نه اینکه اهداف براساس تربیت تحصیلی و حرفه‌ای تغییر کند.

۷. بعد عزم و اراده: انسان اختیار و اراده دارد و هرچه برگزیند از نگرشها و گرایشهای او سرچشمه می‌گیرد. این بعد به توانایی فرد در ظهور و بروز باورها و تصمیم‌ها اشاره می‌کند. همان‌گونه که پیش از بیان هفت عرصه، تذکر داده شد، عموم صفات انسانی را در همه این ابعاد می‌توان جست‌وجو کرد؛ لذا لازم است بازوگیر از هفت عرصه ذکر شده، فقط به منظور طبقه‌بندی آغازین راه استفاده کند. به عنوان مثال، بازوگیر می‌تواند مهارت آموزی مخاطب در شنا را در عرصه ششم ثبت و رصد کند و پس از چندی که این مهارت

موجب تناسب اندام و قدرت بدنی او شد، آن را در عرصه جسمانی نیز در نظر بگیرد و هنگامی که موفقیت‌های شناگری او مثلاً در تیم ملی شنای کشور موجب تعامل با انسان‌ها و ملل مختلف شد، همین مهارت را در عرصه اجتماعی نیز منظور کند.

۷. حدود و اختیارات بازوگیر

حدود اختیارات بازوگیر عبارت است از مرزها و خط قرمزهایی که بازوگیر نباید از آن عبور کند. وظایف گسترده و عمیق و همه‌جانبه‌ای برای بازوگیر معرفی می‌شود؛ اما نباید این گونه نتیجه گرفت که بازوگیر در همه زمینه‌ها آزادی و اختیار دارد. به جرأت می‌توان گفت، به میزانی که اختیاری به بازوگیر داده می‌شود، محدودیتی نیز معادل آن اختیار برای او متصور و الزامی است.

توجه به حدود اختیارات بازوگیر، دست کم سه ضرورت و فایده مهم دارد:

۱. بازوگیر را از توهم سلطه و سیطره بر مخاطب باز می‌دارد.

۲. مخاطب را برای بهره‌گیری حداکثری از سرمایه‌های ناگفتنی و قابلیت‌هایش که برای بازوگیر ناشناختنی و دسترسی‌ناپذیر است، آگاه و مصون می‌سازد.

۳. دیگران را از مسئول دانستن بازوگیر در برابر هر نوع رفتار مخاطب باز می‌دارد.

حدود اختیارات بازوگیر با توجه به پنج عامل زیر تعیین می‌شود:

۱.۳. حدود ثابتی که شرع مقدس بیان فرموده است.

۲.۳. حدودی که به موقعیت بازوگیر بستگی دارد.

۳.۳. حدودی که با توجه به موقعیت مخاطب ایجاد می‌شود.

۴.۳. حدودی که جامعه و محیط برای بازوگیر تعیین می‌کنند.

۵.۳. حدودی که مجموعه یا مرکز فرهنگی برای بازوگیر تعریف می کند.

. حدود ثابتی که شرع مقدس بیان فرموده است

برای ما بسی افتخار است، کتابی که از توصیف انسان در دست داریم، کتاب خالق ماست و افتخار بالاتر اینکه توضیح دهندگان این کتاب برترین انسان‌های عالم هستند. قرآن و عترت برای تعامل‌های اجتماعی خط‌قرمزها و محدودیت‌هایی مطرح فرموده‌اند که همیشه به همگان می‌توان سفارش کرد. برای نمونه به چند گزینه اشاره می‌شود:

۱. بازوگیر نباید اعتراف مخاطب درباره خطاها و اشتباه‌های دور از چشمش را بشنود.

۲. بازوگیر نباید معایب و ویژگی‌هایی از مخاطب بشنود که از مصادیق غیبت است.

۳. بازوگیر نباید رازها و مسائلی را که از مخاطب می‌داند، افشاء کند.

گزینه‌های بالا و بسیاری از نمونه‌های مشابه که شرع مقدس برای ما تبیین فرموده است، از جمله موضوعاتی است که روان‌شناسی و علم مشاوره امروز هنوز به حقایق آن پی‌نبرده است و بسیاری از معضلات مشاوره‌های به‌ظاهر علمی، ریشه در چنین خطاهایی دارد.

شاید مهم‌ترین انحرافی که در این قسمت بازوگیر را تهدید می‌کند، این است که حقیقت را فدای مصلحت کند، غافل از آنکه مصلحت‌شناس حقیقی بازوگیر نیست.

حدودی که به موقعیت بازوگیر بستگی دارد:

منظور از این حدود، محدودیت‌هایی است که برای هر بازوگیر جداگانه تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، هر بازوگیر براساس توانمندی‌ها و ضعف‌هایی که دارد با دیگر بازوگیران، اختیارات یکسانی را ندارد. باید توجه داشت همهٔ معلمان جامع از حداقل اختیاراتی برخوردارند و این اختیار به‌خاطر

حداقل توانمندی‌ای است که از هر بازوگیر انتظار می‌رود؛ اما بدون شک، همهٔ معلمان جامع سطح توانمندی برابری ندارند؛ بنابراین، معلمان جامع متفاوت، حدود اختیارات متفاوتی دارند.

در زیر به بعضی از محدودیت‌ها اشاره می‌شود:

۱. بازوگیری که در موضوعی از موضوعات مورد نیاز مخاطب توان یا امکان پاسخ ندارد، لازم است از کلمهٔ «نمی‌دانم» استفاده کند.

۲. بازوگیر حق ندارد به خاطر ندانستن موضوعی مخاطب را از دستیابی به جواب باز دارد؛ بلکه لازم است او را به دیگر همکارانش معرفی کند.

۳. بازوگیر حق ندارد قبل از تصمیم قاطع برای رفع نقطه ضعف خود، به رفع نقطه ضعف مخاطب اقدام کند.

حدودی که با توجه به موقعیت مخاطب ایجاد می‌شود:

موقعیت مخاطب یکی از عواملی است که در حدود اختیارات بازوگیر نقش دارد. به عبارت دیگر، بازوگیر در برخورد با چند مخاطب از اختیارات یکسانی برخوردار نیست؛ چراکه هریک از مخاطبان موقعیت‌های متفاوتی با دیگران دارند. مثال‌هایی از این دست عبارتند از:

- بعضی از حدود اختیارات بازوگیر براساس سلامت یا بیماری مخاطب تعیین می‌شود.

- بعضی از حدود اختیارات بازوگیر براساس نوع برخورد پدر و مادر مخاطب مشخص می‌شود.

- بعضی از حدود اختیارات بازوگیر براساس شخصیت و بلوغ عاطفی و عقلانی و اجتماعی مخاطب

تعیین می‌شود.

حدودی که جامعه و محیط برای بازوگیر تعیین می‌کند:

این حدود محترم است؛ اما معتبر نیست. با توجه با اینکه عُرف حاکم بر جامعه همیشه دچار آفت‌ها و انحرافات بوده است، توجه به این عرف موجب محدودیت‌هایی برای بازوگیر می‌شود. آداب و سنن حاکم بر جامعه‌ای که مخاطب و بازوگیر در آن تعامل می‌کنند، اعتبار حقیقی ندارند؛ اما به جز مصادیقی که ناقض حدود الهی است، محترم هستند. در این گونه مواقع لازم است بازوگیر ضمن سعی و کوشش برای تغییر آداب غلط، بکوشد که کمتر در موضع تهمت و آسیب‌های اجتماعی قرار گیرد. به عنوان مثال، اگر در عرف جامعه‌ای حضور بازوگیر در مجلس تعیین مهریه مخاطب تعریف نشده است، بازوگیر باید تلاش کند تا قبل از تغییر این عُرف، به طور غیرمستقیم به این مرحله از زندگی مخاطب کمک کند.

حدودی که مجموعه فرهنگی- تربیتی برای بازوگیر تعریف می‌کند:

باتوجه به اینکه مخاطبان و معلمان جامع بخش زیادی از تعاملاتشان در چارچوب فعالیت‌های مجموعه است، لازم است آن مجموعه برای معلمان جامع خود حدودی را مشخص کند، برخی از این حدود عبارتند از:

۱. بازوگیر براساس شیوه همه پیامبران که یکی از روش‌های آن‌ها درخواست نکردن اجر مادی بوده است، حق ندارد از مخاطب کمترین درخواست و تقاضای مادی بکند.

۲. بازوگیر حق ندارد بدون هماهنگی با مدیر مجموعه مسیر تعلیمی مخاطب را تغییر دهد.

۳. بازوگیر حق ندارد در ارتباط با مخاطب به گونه‌ای رفتار کند که باعث تبعیت نکردن مخاطب از قوانین مجموعه شود.

۸. ابزارهای بازوگیر برای انجام وظیفه

منظور از ابزارهایی که برای انجام وظیفه به بازوگیر پیشنهاد می‌شود، امکانات و سخت‌افزارهایی است که اغلب در اختیار هر بازوگیری هست یا می‌تواند قرار گیرد. این ابزارها به ترتیب تأثیرگذاری و در دسترس بودن عبارت‌اند از:

۱. ابزارهای غیبی

برخلاف آنچه تعلیم و تربیت رایج امروز باور دارد، توجه بازوگیر به اموری چون دعای خیرخواهانه برای مخاطب، صدقه‌دادن و کار نیک به نیابت از او، اصلاح خویشتن به امید تأثیرگذار بودن بر او و توکل به باری تعالی اثری بسیار بیشتر از آموزش‌های صرفاً تئوری دارد. لازمه بهره‌بردن از همه این ابزارهای غیبی، محبت به بندگان خداوند است. این محبت به بندگان خداوند در قلب مبارک پیامبر "صلوات و سلام بر ایشان و آل ایشان" چنان است که خداوند او را به صفت «باخع» نهیب می‌زند: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^{۱۹} گویی می‌خواهی از غم و اندوه اینکه آنان ایمان نمی‌آورند، خویشتن را نابود کنی!

۲. زندگی و معاشرت

«وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ...»^{۲۰}

ما هیچ‌یک از پیامبران را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه غذا می‌خورده‌اند و در بازارها برای معامله و تهیه نیازمندی‌های خود راه می‌رفته‌اند.

۱۹. الشعراء، ۳

۲۰. فرقان، ۲۰

پیام آوران الهی با ایجاد رابطه عاطفی و غیررسمی با مردم آمادگی پذیرش حق را برایشان به وجود می‌آوردند. اما از جمله آثار مخرب تعلیم و تربیت به‌ظاهر پیشرفته و در حقیقت جاهلیت امروز، این است که دانش‌آموز و دانشجو کمتر فرصت معاشرت و زندگی واقعی با معلم و استاد خود را دارند. در حالیکه بسیاری از او شناختها و مهارتهای زندگی اجتماعی در سایه زندگی واقعی رخ میدهد و افتخار همه پیامبران و پیام‌آور مکرم اسلام این بوده است که با مردم نشست و برخاست می‌کردند. هم سفره‌شدن و همراه‌شدن با مخاطب در زندگی مادی از ابزارهای ابتدایی برای خدمت به مخاطب است.

۳. خانواده و همسالان

در اهمیت جایگاه خانواده همین بس که قرآن کریم از آن به عنوان آیه یاد میکند، اما در این مبحث به طور خاص میتوان گفت خانواده مخاطب به دلیل اینکه مهد پرورش او بوده‌اند و هستند، و نیز بنا به میزان و نوع روابط و ماهیت تعاملی آن، رکن مهمی در راستای ایفای نقش و انجام وظیفه بازوگیر به‌شمار می‌آیند. حتی در خانواده‌هایی که مسلکی متفاوت با مخاطب دارند، تهدیدهایی ایجاد می‌شود که بازوگیر میتواند آنها را به فرصتهایی برای انجام وظیفه تبدیل کند. چرا که در هندسه خدمت تربیتی به مخاطب هر عامل نقش و جایگاه خاص خود را دارد و وجودش قابل توجه است. به عبارتی والدین و بازوگیر هر کدام به نوعی باغبان گل‌های فطرت مخاطبن هستند که اگر بی‌خبر از عملکرد یکدیگر باشند نتیجه‌اش پژمردن گل‌هاست. در اینجا توجه به راهکار آیه ۱۵ سوره لقمان بسیار راهگشا خواهد بود.

گروه همسالان نیز به دلیل اینکه همزبان با یکدیگر هستند و توسط خود مخاطب انتخاب می‌شوند، گزینه بسیار کارآمدی برای انجام وظیفه بازوگیر هستند. به بیان دیگر تشکیل گروه‌های مناسب، امکان و فرصت مغتنمی را در جهت تنظیم فعالیت‌های فرهنگی فراهم میکند.

-تعاون

علاوه بر گروه همسالان ، گروه شدن خادمان فرهنگی (اعم از بازوگیر معلم مدیر و ۰۰۰) نیز در انجام وظیفه و بهبود خدمت بازوگیر تاثیر زیادی دارد. بنابراین به جاست که چنین گروه هایی به جای تبدیل شدن به مهره های سازمانی کار خود را براساس روابط انسانی و عاطفی تنظیم نمایند و عامل انگیزه بخش و پیونددهنده ای در جهت هم افزایی تجربه و دانش یکدیگر باشند.

۴. طبیعت

از جمله ابزارهایی که ضرورت دارد بازوگیر، برای خدمتگزاری به مخاطب به استخدام درآورد، طبیعت است. طبیعت، از یک گیاه کوچک گرفته تا جنگل، از یک سنگ گرفته تا کوه، از قطرات آب گرفته تا دریا و... هرآنچه را که دست خداوند را در آن بالای دست انسانها درک میکنیم و در خلقت او می اندیشیم، شامل میشود. این ابزار گسترده بخصوص در زمانه ای که عموم جامعه گرفتار مدرنیته شده اند، امکان توجه به آیات آفاقی و بهره گیری از آنها را به خوبی فراهم میکند. بنابراین لازم است بازوگیر این اصل را فراموش نکند که: «اگر در موضوعی که می خواهد به مخاطب عرضه کند میتواند از طبیعت استفاده کند، تا حد امکان این شغل شریف را به طبیعت واگذار کند.»

۵. بستر عمل

از آنجا که انباشتن ذهن از مطالب پراکنده تاثیر مثبتی در شخصیت انسان ندارند بلکه در واقع آموخته ها در میدان عمل شکل می گیرند و آزموده و تکمیل می شوند، لازم است بازوگیر در ایجاد بسترهای عملی برای تجربه فعالیت های کمال جویانه مخاطبان کوشا باشد و از آن به عنوان ابزاری برای گسترش

تعلیم و تربیت افراد جامعه استفاده کند. برای مثال، ایجاد زمینه و ترغیب حکمت جو در برقراری ارتباط جامع و فراگیر با دیگران مانند خواهر و برادر و... یکی از بسترهای عملی است، که سبب میشود با مسائل و لایه های درونی تر تعامل مواجه گردد. در بستر عمل میتوان امید داشت که انگیزه و پویایی مخاطب تقویت شده و از آموخته های نظری صرف به سمت عملکرد خلاق رشد کند.

۹-۴-۵. بازوگیر در عین اینکه باید به شناخت ابعاد چندگانه و خصوصیات فردی از مخاطب برسد، لازم است تا حد امکان، در ارتباط های جمعی به کسب شناخت ها و واکنش های متناسب با این شناخت ها و بازخوردهای لازم پردازد و در مواقع لازم، کارهای گروهی و تیمی را در برنامه های خود به بهترین شکل لحاظ نموده و استفاده کند.

۹. شیوه های تعامل و استفاده از ابزارها

در روش ها و شیوه های دینی و علمی به انواع راهکارهایی برمیخوریم که برای شناسایی وضع موجود و یاری مخاطب برای رسیدن به وضع مطلوب مناسب است و می توان از آنها استفاده کرد. از بین این

روش‌ها به چهار روش که متداول‌تر و چه‌بسا کارآمدتر از دیگر روش‌ها هستند، به‌عنوان مثال اشاره می‌شود. هریک از این شیوه‌ها در موقعیت‌های خاص، توسط بازوگیر انتخاب می‌شود.

۱. مشاهده: این روش عبارت است از زیرنظر گرفتن مخاطب برای زمانی مشخص و در موقعیت و مکانی معین. بدون شک، اطلاع‌داشتن مخاطب از اینکه آیا مشاهده می‌شود یا نه، در اثربخشی و استفاده از این روش نقش دارد و اطلاع‌یافتن مخاطب قبل یا حین یا پس از مشاهده بازوگیر با توجه به موقعیت تعیین می‌شود.

به‌عنوان مثال، توصیه می‌شود در مواقعی که مخاطب برای اولین بار قصد انجام دادن کاری را دارد یا وقتی احتمال می‌رود که در فعالیت‌های اجتماعی دچار جَوَزدگی و بی‌توجهی به خود شود و نیاز به پشتیبانی دارد، از مشاهده شدن توسط بازوگیر مطلع گردد؛ و در مواقعی که اگر پس از قرار گرفتن در محیط اجتماعی، رفتارش تحلیل شود، اثربخش‌تر است، پس از آن مطلع گردد.

۲. مصاحبه: این روش عبارت است از گفت‌وگوی بازوگیر با مخاطب درباره موضوع و هدفی که بازوگیر دنبال می‌کند. مصاحبه، روش و آداب و فنون ویژه‌ای دارد که در کتاب‌ها و منابع مربوط موجود است. لازم به ذکر است این مصاحبه‌ها با شیوه‌های تعاملی دیگری چون ابراز محبت، امیدبخشی، تکریم مخاطب و توازن و... همراه است.

۳. مشاوره: این روش عبارت است از گفت‌وگوی بازوگیر با حکمت‌دوست درباره موضوع و هدفی که مخاطب دنبال می‌کند.

بحمدالله مشاوره و مشورت در مضامین دینی و اجتماعی ما کاربرد بسیاری دارد که توصیه می‌شود بازوگیر حتماً به اصول اولیه و عمومی آن آگاه باشد. در ارزش این شیوه همین بس که مولا امیرالمؤمنین علی 7 هیچ پشتیبانی را چونان مشاوره نمی‌دانند.

((... لا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ))^{۲۱}

توجه به این اصل در مشاوره حائز اهمیت است که وظیفه مهم در مشورت دادن، انتقال اطلاعات و ایجاد امکاناتی است که شخص بتواند خود تصمیم بگیرد، نه اینکه برای او تصمیم‌گیری شود.

۴. مکاتبه: پیامبر ص: {مُصَاحِبَةُ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ تَزَاوُرٌ وَ فِي السَّفَرِ تَكَاتُبٌ} همراهی برادران در وطن، به دیدار یکدیگر رفتن و در سفر، نامه‌نگاری است.

این قالب ارتباطی دست کم به دو دلیل، اثرگذاری چشم‌گیری دارد: ۱. به دلیل ماندگاری، قابلیت مرور چندباره و پایداری در ذهن مخاطب؛ ۲. به دلیل اینکه مخاطب حتی در غیاب بازوگیر هم به آن توجه می‌کند و منشاء تأثیر و تغییر در خلوت وی خواهد بود.

۲۱. نهج البلاغه، حکمت ۵۴

۱۰. معیارهای حداقلی و اولویتی برای انتخاب بازوگیر

به منظور انتخاب و تربیت بازوگیر تلاش و توجه بر معیارهایی است که شایستگی و رشد و کمال فرد را دربرداشته باشد؛ ولی درعین حال، این معیارها به تنهایی مدنظر نیست، بلکه با ملاحظه عوامل مؤثری چون موقعیت و توانمندی فرهیختگان موجود و دسترسی و استفاده از وجود آگاه‌ترین افراد به فن تربیت (به عبارتی خیرالموجودین در توانایی و زمان و مکان) درنظر گرفته می‌شود.

به بیان دیگر، معیارها به صورت کامل و اساسی مدنظر است؛ اما این نقش به طور نسبی در افراد جستجو می‌شود و مصداقیابی با توجه به وضع موجود انجام می‌گیرد. این معیارهای اساسی با بیان‌های مختلف و در قالب‌های متعددی تبیین‌پذیر است که به عنوان مثال، نمونه‌های زیر به صورت خلاصه مطرح می‌شود:

۱. از استقلال نسبی برخوردار بودن و نداشتن نقطه ضعف و ایراد اساسی در اعتقادات و اخلاق و احکام.

۲. تسلط نسبی، علمی و عملی توأمان، در بخش‌های کلی معارف اسلامی همچون توحیدی، نبوتی، معادی، اخلاقی و احکامی.

۳. آگاهی و التزام عملی به ملاک‌های به دست آمده از حدیث جنود عقل و جهل در جلد اول اصول کافی ص ۲۱ تا ۲۳.

۴. به طور کلی، معیار «میزان استفاده بازوگیر از قرآن در عرصه‌های مختلف زندگی» را می‌توان به عنوان معیاری جامع درنظر گرفت؛ چراکه انتظار می‌رود مخاطب در «ساحت فعالیت‌های قرآنی» به جای داشتن مدیر ساحت، از وجود بازوگیر بهره‌های لازم را کسب کند.

۱۱. شیوه‌های انتخاب اولیه و متقابل مخاطب و بازوگیر

در شروع ارتباط بازوگیر و مخاطب حالت‌های مختلفی متصور است. معیارهای زیر به مجموعه اجراکننده طرح و بازوگیر و مخاطب کمک می‌کند تا بهترین شیوه را اتخاذ کنند:

۱. مخاطب باید از بازوگیر خود چنان پذیرشی داشته باشد که معرفی بازوگیر به وی جنبه تحمیلی نداشته باشد. معرفی نسبی شخصیت بازوگیر به «مخاطب»^{۲۲} از لوازم ایجاد چنین پذیرشی است.
۲. بازوگیر قبل از شروع رابطه آموزشی با مخاطب لازم است شناخت حداقلی از مخاطب داشته باشد تا از توانمندی خویش برای خدمت به مخاطب اطمینان نسبی بیابد.
۳. مجموعه لازم است با شناختی که به همه مخاطبان و معلمان جامع دارد، آن‌ها را برای انتخاب یکدیگر به صورت حداکثری راهنمایی و همراهی کند. تعیین اولویت‌ها و خط قرمزها در انتخاب‌های معلمان جامع و مخاطبان به عهده مجموعه اجراکننده طرح است.

به منظور انتخاب صحیح‌تر، استفاده از روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. انتخاب به صورت طرفینی و در قالب فرآیند و در طول زمان لازم صورت گیرد.
۲. در آغاز ارتباط‌های متقابل، برای هیچ‌یک از طرفین حکم قطعی ارتباط دائمی صادر نشود.
۳. سعی شود در فرصت‌های مختلف، امکان آشنایی همه حکمت‌دوستان با همه معلمان جامع و برعکس فراهم شود.
۴. طرفین حتی زمانی که تعامل با یکدیگر را قطعی می‌دانند، به اولویت بعدی هم فکر کنند.
۵. به طرفین چنان آگاهی لازم داده شود که به فصل‌الخطاب بودن مسئولان مجموعه در انتخاب، احترام بگذارند و در این زمینه پذیرش لازم را داشته باشند.
۶. به ارتباط‌های مخاطبان با یکدیگر توجه کافی شود تا مدیریت اجتماعی بازوگیر برای چند حکمت‌دوست مخدوش نشود.
۷. به موقعیت مادی مثل محل سکونت و وجه اشتراک‌های ارتباطی و انطباق‌های فرهنگی اولویت داده شود.

۱۲. ارزیابی و ارتقاء بازوگیر

ارزیابی و ارزشیابی در آخرین مراحل هر سیستم مدیریتی انجام می‌شود؛ ولی ضرورت دائمی بودن و تداوم ارزشیابی بر هیچ مدیری پوشیده نیست. بنابراین، باید توجه داشت که مطالب زیر برحسب نیاز و موقعیت استفاده شود. استمرار در هر یک از روش‌های زیر و نیز تلفیق روش‌ها با یکدیگر از شروط اولیه برای موفقیت در ارزیابی و ارتقاء است.

شخصیت‌های ارزیاب:

۱. با توجه به معیارهایی که در محور نه از بازوگیر بیان شد، برترین و حقیقی‌ترین بهره، از خودارزیابی بازوگیر از خودش به دست می‌آید؛

«حاسبوا قبل أن تحاسبوا»^{۲۳}

۲. مخاطب از تمام اهداف و برنامه‌های بازوگیر اطلاع کافی ندارد؛ اما یکی از ارزیاب‌های برتر بازوگیر، مخاطبان هستند. مسلم است که به دلیل حفظ کرامت معلم، لازم نیست این ارزیابی در قالب پرسش‌نامه‌های آماری صورت گیرد، بلکه از عملکرد مخاطبین که تا حدودی آئینه عملکرد بازوگیر است، می‌توان این ارزیابی را به عمل آورد.

۳. خانواده مخاطبین که شاهد تغییر رفتار و میزان آرامش مخاطبان در منزل هستند، ارزیاب‌های قابل توجهی هستند.

۴. معلمان جامع همکار نیز به دلیل تعاملی که با یکدیگر دارند و براساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که بر عهده هر مسلمانی قرار دارد، موظف به نظارت بدون تجسس و ارزیابی دائمی یکدیگر هستند.

۲۳. شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، الفهرست ج ۷، ص: ۶۷

۵. آحاد افرادی که با بازوگیر و مخاطب هر نوع ارتباطی دارند، گزینه‌ها و منابع مناسبی برای ارزیابی به‌شمار می‌روند.

۶. مدیریت مجموعه به‌عنوان پاسخ‌گوی فعالیت‌های مجموعه با راهکارهای گوناگون، موظف به ارزیابی است. استفاده از همه شخصیت‌های ذکرشده در پنج سند بالا بر عهده مدیر مجموعه است. شیوه‌های ارزشیابی مستقیم و غیرمستقیم، فردی و جمعی، کتبی و شفاهی، مقطعی و مستمر و نیز دوره‌ای و مرحله‌ای و... را مدیر مجموعه می‌تواند تدوین و تبیین و اجرا کند.

ارتقاء:

شایسته است در بحث ارتقاء بازوگیر، بار دیگر به حدیث گهربار امام سجاد (بر ایشان سلام) رجوع نموده و در هر دو قسمت آن تاملی ویژه گردد. تاسی نمودن به این حدیث، برای نجات از هلاکت و ذلت، در گرو ارتباط و تعاملی دوسویه است. از یک سو تعامل با حکیمی برای رشد و از سوی دیگر تعامل با نیازمندی برای بازوگیری است.

۱. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^{۲۴} مهم‌ترین ارتقاء بازوگیر به‌واسطه جهاد و تلاش خود و در سایه عنایت رب‌العالمین محقق می‌شود؛ لذا شایسته است مدیریت ارتقاء او براساس ویژگی‌ها و موقعیت و استعدادهای فردی او، توسط خود بازوگیر صورت گیرد و کلیه امکانات داخلی و خارجی مجموعه برای انجام‌دادن این کار به‌استخدام او درآید.

۲. وجود بازوگیر با ساختاری که بتواند نقش بازوگیر را برای هریک از معلمان جامع ایفا کند، دومین عامل مهم ارتقاء بازوگیر به‌حساب می‌آید.

۲۴. العنکبوت، ۶۹

۱۳. فراخوان

لازم به ذکر است، شرح محورهای دوازده گانه این معرفی، به منظور نقد و دفاع توسط اعضای حلقهٔ معلمان جامع در دست بررسی است که ان شاء الله دستاوردهای آن در ویرایش‌های بعدی این نسخه اعمال خواهد شد.

بدین وسیله از مطالعه کنندگان عزیزی که با اظهار نظرهای سازندهٔ خود ما را مدیون خویش می‌فرمایند، پیشاپیش تشکر و قدردانی می‌کنیم.

و من الله التوفیق